

مراحل ابتدایی ترجمه.

نویسنده: ماریا جولیا ساینز

مترجم: سید محمد رضا هاشمی

«آنکه به سرچشمه دسترسی دارد، به سراغ کوزه نمی‌رود.» لئوناردو داوینچی این سخن را در مورد ترکیب رنگ گفته است. او به نقاشان توصیه می‌کند به جای آنکه به سراغ اشیایی بروند که با تقلید از طبیعت ساخته شده‌اند، به سراغ خود طبیعت بروند، از «زندگی» نقاشی کنند، نه از «کپی‌های زندگی». (راف، ۱۹۸۱، ص ۱)

سخن داوینچی در مورد ترجمه نیز صدق می‌کند. همیشه اصل اثر از ترجمه آن (هرچند هم که عالی صورت گرفته باشد) بهتر است، اما این واقعیت نباید توجیهی برای ترجمه‌های ضعیف باشد. معمولاً در اولین جلسه درس ترجمه از دانشجویان می‌پرسیم به نظر آنان برای ترجمه متن چه مراحل را باید به ترتیب انجام داد. چون اولین جلسه احتمالاً اولین تجربه دانشجویان در کار ترجمه است، خوب است آنان را با مراحل ابتدایی ترجمه آشنا کرد. آشنایی با مراحل ترجمه به دانشجویان کمک می‌کند تا هنگامی که تنها ترجمه می‌کنند دستورالعمل یا روشی معین و اصولی برای کار داشته باشند. این دستورالعمل شامل ده مرحله است، اما این تقسیم‌بندی به این معنی نیست که مترجم در ترجمه متن باید این مراحل را دقیقاً یکی پس از دیگری انجام بدهد. ترجمه فرآیندی پویاست و نمی‌توان آن را به مراحل ثابت محدود کرد. دانشجویان با کسب تجربه و ممارست می‌توانند به تشخیص خود مرحله یا مراحل را حذف کنند. این مراحل که انجام آنها را دست کم به دانشجویان مبتدی توصیه می‌کنم، از این قرار است:

مرحله اول: خواندن متن

برای آنکه تصویری کلی نسبت به موضوع متن پیدا کنید، لازم است یک بار آن را بخوانید. قبل از خواندن متن، معلم با پرسیدن یک یا دو سؤال کلی ولی هدایتگر توجه دانشجویان را به نکات مهم متن جلب می‌کند. همچنین پس از آنکه دانشجویان متن را خواندند معلم متن را با دانشجویان بحث می‌کند

* مشخصات مقاله بقرار زیر است:

تا آنها از مشکلاتی که احتمالاً در جریان ترجمه با آنها روبرو می‌شوند آگاهی یابند. فایده این مرحله این است که دانشجو یاد می‌گیرد تا متنی را بطور کامل نخوانده است دست به ترجمه آن نزند. دانشجویان در ضمن پاسخ دادن به سؤالات و بحث با معلم کلماتی را بکار می‌برند که بعداً می‌توانند در ترجمه خود از آنها استفاده کنند. بسیاری از دانشجویان بدون آنکه متن را یکبار بطور کامل بخوانند آن را ترجمه می‌کنند و در صورت برخورد با مشکل آن را بدون ارتباط با کل متن حل می‌کنند. معلم باید دانشجو را از این گونه ترجمه کردن بر حذر دارد. بسیاری از مترجمان با تجربه بدلیل کمبود وقت بدون آنکه نخست متن را بخوانند اقدام به ترجمه آن می‌کنند. ولی اینان در نتیجه تجربه زیاد توان و جرات انجام چنین کاری را یافته‌اند.

حال باید پرسید: «چه چیزی را باید تحلیل کنیم؟» و «درباره چه چیز باید بحث کنیم؟» بحث کلی متن در کلاس باعث می‌شود که دانشجو مشکلات خود را تشخیص بدهد. با طرح این مشکلات دانشجو می‌تواند از راه حل‌های پیشنهادی دوستانش بهره بگیرد. هدف این مرحله، ترجمه لغات یا ساختارهای دشوار متن نیست، بلکه هدف یافتن در کی کلی از متن است: نیومارک (۱۹۸۸) می‌گوید:

در بعضی از کلاسهای ترجمه، استاد متنی را که خود ترجمه کرده به عنوان «متن نمونه خدشه‌ناپذیر» بر کلاس تحمیل می‌کند و اجازه انتقاد از آن را به دانشجو نمی‌دهد، حال آنکه گاه ممکن است در مواردی ترجمه دانشجویان بهتر از ترجمه استاد باشد... ترجمه پدیده‌ای است قابل بحث. ترجمه امری نه کاملاً عینی و نه کاملاً ذهنی است. در ترجمه هیچ قانون لایتغیری وجود ندارد، همه قوانین نسبی است. هر اصل یا قانون را باید با قید «معمولاً» بکار برد. قیود «هرگز»، «همیشه»، و «باید» در قوانین ترجمه جایی ندارد. هیچ حکم قطعی وجود ندارد. (ص ۲۱)

مرحله ۵م: خواندن مجدد متن

در این مرحله ضمن توجه به نکات زیر متن را دوباره بخوانید:

الف- نوع متن: آیا متن داستانی، محاوره‌ای، توصیفی یا تحلیلی است؟

ب- سبک متن: با توجه به تقسیم‌بندی نیومارک (۱۹۸۸) از انواع سبک، سبک متن کدام است؟ البته چنانکه در مثال زیر خواهید دید، مرز میان انواع سبک چندان روشن و دقیق نیست.

کاملاً اداری (official) هر کس در این مکان زباله بریزد، تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

اداری (official) ریختن زباله در این مکان اکیداً ممنوع است.

رسمی (formal) تقاضا می‌کنیم از ریختن زباله در این مکان خودداری کنید.

خنثی (neutral) در این مکان زباله نریزید.

غیر رسمی (informal) لطفاً در اینجا زباله نریزید.

محاوره‌ای (colloquial) زباله نریزید. اینجا را خانه خودتان بدانید.

عامیانه (slang) اینجا آشغال‌دانی نیست.

مستهجن (taboo) بر پدر و مادر کسی لعنت که در اینجا زبانه بریزد.
ج- کیفیت متن: آیا نویسنده به موضوع احاطه کامل داشته است؟ آیا انشای متن از کیفیت خوبی برخوردار است؟

د- مخاطب متن: مخاطب متن در زبان مبدأ و نیز مخاطب احتمالی آن در زبان مقصد کیست؟

مرحله سوم: مشخص کردن کلمه های نا آشنا

کلمه های نا آشنای متن را به روش های زیر می توان مشخص کرد:
الف: دور تمام کلمه هایی که معنی آنها را نمی دانید و نمی توانید از متن حدس بزنید، دایره بکشید.
ب: زیر کلمه هایی که قبلاً معنی آنها را می دانستید ولی اکنون فراموش کرده اید، دو خط بکشید.
ج: زیر کلمه های نا آشنا که معنی آنها را می توانید از متن حدس بزنید یک خط بکشید.

مرحله چهارم: استفاده از فرهنگ لغت

برای ترجمه هم از فرهنگ دو زبانه و هم از فرهنگ یک زبانه استفاده کنید و معنی کلمه های نا آشنایی را که قبلاً مشخص کرده اید پیدا کنید. معلم می تواند برای آنکه دانشجویان متن را بهتر درک کنند منابعی را به آنان معرفی کند. این کار باعث می شود که در دانشجو عادت «تحقیق ضمن ترجمه» بوجود بیاید. همچنین معلم باید دانشجو را با انواع فرهنگ های تخصصی موجود و چگونگی دسترسی به آنها و استفاده از آنها آشنا کند تا دانشجو بتواند اطلاعات لازم را از منابع صحیح و موثق بدست آورد و از فرهنگ های عمومی خود انتظار معجزه در حل مشکل معادل یابی برای لغات تخصصی نداشته باشد.

مرحله پنجم: ترجمه شفاهی

در این مرحله دانشجویان متن را بطور شفاهی ترجمه می کنند. فایده این کار این است که برای یافتن درک کلی از متن دانشجویان مجبور نیستند کلیه لغات نا آشنای متن را از فرهنگ استخراج کنند. از این گذشته می توانند با شنیدن ترجمه خود برخی از ترکیبات را که نامأنوس بنظر می رسد اصلاح کنند. در ترجمه شفاهی، در مقایسه با ترجمه کتبی، کلمه را می توان با انعطاف بیشتری ترجمه کرد. پس از ترجمه شفاهی دوباره به سراغ کلمات یا عباراتی که هنگام ترجمه شفاهی نتوانستید معادلی برای آنان پیدا کنید بروید و سعی کنید معادلی مناسب برای آنها بیابید.

مرحله ششم: ترجمه کتبی

ترجمه خود را بنویسید. قطعاً در این مرحله و پس از گذر از مراحل پنجگانه بالا ترجمه کردن بسیار ساده تر از ترجمه ابتدا بساکن است. یک خط در میان بنویسید تا جای کافی برای تصحیح و ویرایش باشد.

مرحله هفتم: بازخوانی ترجمه

ضمن توجه به نکات زیر ترجمه خود را بازخوانی کنید:

الف: بار اول ترجمه را دقیقاً با متن اصلی مقابله کنید تا مطمئن شوید چیزی از قلم نیافتاده است.
ب: بار دوم برای حصول اطمینان از رعایت علائم سجاوندی و دیگر جنبه‌هایی که در مرحله دوم ذکر شد ترجمه را بازخوانی کنید و آن را با ملاحظات که در مرحله دوم گفتیم بررسی کنید.

مرحله هشتم: وقفه

برای یک، یا دو روز - یا در صورت کمبود وقت برای چند ساعت - ترجمه را بکلی کنار بگذارید و اصلاً به آنچه نوشته‌اید فکر نکنید.

مرحله نهم: روی آوردن مجدد به ترجمه

پس از آنکه برای مدتی موقتاً خود را از دغدغه ترجمه‌ای که نوشته‌اید رها کردید، دوباره متن اصلی و سپس ترجمه خود را چنان که گویی برای اولین بار می‌خوانیدش بازخوانی کنید.

مرحله دهم: ارزیابی

ضمن ارزیابی ترجمه خود، ببینید آیا لازم است بخش یا بخشهایی از ترجمه خود را تغییر دهید. در این صورت دوباره به هر یک از مراحل لازم که در بالا ذکر شد رجوع کنید:
در خاتمه ما یلم سخنی از آنالیووا (۱۹۸۷) رئیس سابق فدراسیون بین‌المللی مترجمان (FIT) نقل کنم:

در حال حاضر در پایان قرن بیستم، ضرورت مبادله ارزشهای فرهنگی از طریق ترجمه بیش از پیش آشکار شده است. مترجم رابط ادوار تاریخی و تمدنها و ملل مختلف است. تحقق این رسالت منوط به تحقق دو شرط عمده است: وجود متن خوب و دقیق و وجود مترجم با کفایت. (ص ۱۸)
به گمان من وظیفه و نیز افتخار ما معلمان زبان این است که بتوانیم چنین نویسندگان و مترجمانی تربیت کنیم.

References

- Duff, A. (1981). *The third language*. Oxford: Pergamon Institute of English.
- Lilova, A. (1987). *ATA scholarly monograph series: Vol. I*. Binghamton: University Center at Binghamton (SUNY).
- Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. London: Prentice-Hall International.